



## تصحیح لباب الالباب

(۶۳)

قزوینی در صفحه (۳۵۲) سطر (۱۹) گوید: ص ۲۵۹ س ۳ - ۴ این رباعی باید لغز باشد بنام چیزی (۴)

\* \* \*

مقصود وی این رباعی است

ایدست چه دستی که چنین بیکاری  
نی نی تونه دستی که دهان یاری  
کوناخت آخر که ار اوسر خاری  
زان روی که تنگی و خط خوش داری

این رباعی لغز نیست و شاعر دست خود را از طریق تنگی و خط خوش تشبیه بدهان یار کرده و دست تنگی کنایه از فقر و بی چیزی است مانند ناخن نداشتن در بیت اول و در حقیقت مصمولی بکر و نادر و لطیف شاعر بکار برده است خلاصه معنی اینست که ایدست بیکاره و بیچاره من که ناخن برای سر خاریدن هم نداری و از روی ننگی و خط خوش بدهان یار من میمانی

(۶۴)

قزوینی در صفحه (۳۵۴) سطر اول گوید: س ۱۰ چومار (۴) و فی الاصل چنار (۴) س ۱۱ - ۱۲ این بیت صفت سوسن است نه سرو و شاید سقطی در بین باشد

\* \* \*

مقصود وی این دو بیت است

آزاد سرو در سه صفت همچو شاه بود شه را ندیده و شده در بندگی چومار  
بگشاده ده زیبای ز برای ثنای شاه و آنکه زعجز کرده بخاموشی اختصار  
در بیت اول سرو غلط است و باید سوسن باشد بدینگونه (آزاد سوسن  
از سه صفت همچو شاه بود) و سوسن آزاد آلت از اقسام سوسن که گل سفید

بار میآورد و معنی دو بیت پس از تصحیح اینست که سوسن آزاد با اینکه در سه صفت (یعنی آزادی و سرسبزی و سپید کاری) که کنایت از نیکوکاری باشد) مثل شاه بود شاهرا نادیده بندگی اختیار کرد و ده زبان که هر یک مانند زبان مار بود در مدح شاه گشود ولی از عجز خاموش ماند پس سقطی درین نیست و هر دو بیت هم کاملاً بیکدیگر مربوطند

تذکار - ازینگونه غلطیهای فاحش فراوان در متن کتاب لباب الالباب از نظم و نثر باقی مانده و ما چون در مقام تصحیح متن نیستیم متعرض نشدیم و فقط آنچه آقای قزوینی متعرض شده قناعت جستیم و اگر روزی توفیق طبع این کتاب ما را دست داد البته بتصحیح کامل اقدام خواهیم کرد -

( تمام شد حواشی ما بر تعلیقات فاضل محترم آقای میرزا محمدخان قزوینی متعنا الله بطول بقائه )

### ( خاتمه )

ما را در تصحیح و انتقاد بر حواشی لباب الالباب هیچگونه نظری جز بیان حق و حقیقت نبوده و نیست و بصواب گوئی و عدم خطای خود نیز مغرور نیستیم و از فضلا و دانشمندان منتظریم که هر کس در گفتار ما نظری دارد بنگارد یا با کمال خرسندی طبع کرده و نظر خود را موافق یا مخالف در ذیل بنماید - و نیز امیدواریم که فاضل محترم مغتلم آقای قزوینی از مارنجشی نداشته و هرگونه سهوی و نسیانی سراغ داشته باشند برای نگارش و طبع در مجله ارمان ارسال فرمایند .

\* یادگار شیخ الاشراف \*

شیماب الدین سپهرودی

(میرزا علیبنقی کهکثر) فرزند ارشد میرزا حسن خان کوثر بن حاج میرزا حسین بن حاج میرزا علیبنقی بن حاج ملارضای همدانی از نواد شیخ